نگاه

به بهانه گرامیداشت هفته معلم

چالش‌های معلمی

حسن خلیل‌آبادی*

● دغدغه‌های معلم همیشه این است که آنچه را از کرامت انسانی و ارزش‌های والا در ذهن و زبان خود دارد، به نحو شایسته‌ای به امانت‌های در دستان هنرمند خویش که همان دانش‌آموزان هستند، منتقل کند تا آنها بتوانند با فراگیری آن، با دو بال دانش و توانش در بیکران هستی به پرواز درآیند و چونان عالمان در پهنه گیتی، علم و آموزش گسترانند و زیور دانایی را بر گردن محیط خویش آویزند.

علامه شهیر مرتضی مطهری (رحمت‌الله علیه) نیز تمام تلاش‌های علمی و عملی را مقدمه‌ای برای رشد و تعالی انسان دانسته و مسیر کمال و تکامل را با دو بال علم و ایمان میسر می‌داند.

نقش معلمان در رشد و توسعه کشور

با مقدمه ذکرشده می‌توان نتیجه گرفت که معلم نقشی اساسی و بس شگرف در مسیر رشد و توسعه منابع انسانی هر کشوری دارد. معلمان می‌توانند با تبیین الگوهای مناسب و آموزش‌های دقیق علمی، در دوران شکل‌گیری دانش‌آموزان آنها را در مسیر درست‌اندیشیدن در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی راهنمایی کنند؛ زیرا بعد از شکل‌گیری شخصیت فردی، هم هزینه‌های آموزشی بسیار سنگین است و هم آموختن.

همان‌طورکه مشاهده می‌شود، راه رشد و توسعه کشورهای آسیایی مانند چین، سنگاپور، ژاپن، اندونزی و مالزی نیز از تقویت بنیان‌های آموزش‌وپرورش عبور کرده است و این کشورها بیشترین توجه و دقت را در امر آموزش‌وپرورش داشته و نهال‌های کوچک (دانش‌آموزان) را به دست باغبانانی دردآشنا می‌سپارند تا بتوانند آینده اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع را همواره در مسیر شکوفایی هدایت کنند.

ارزش تکنولوژی‌های نوین آموزشی

استفاده معلمان از آخرین تکنیک‌های پژوهش‌شده و کارآمد می‌تواند همه معضلات را در حوزه‌های یادشده مرتفع کند. امروزه در کشورهای درحال‌توسعه در جذب و گزینش معلمان دقت زیادی می‌شود و ما شاهد آن هستیم در تمام این کشورها، آنچه باعث رشد و پیشرفت علمی شده است، در گرو تلاش و آموزش‌وپرورش صحیح و روزآمد بوده است. آموزش‌وپرورش زمانی که در مسیر درست خود قرار گیرد، می‌تواند نهال‌های تشنه را سیراب و موجبات رشد و توسعه آنها را فراهم کند و خلاقیت، نوآوری، میهن‌دوستی، فداکاری و هم‌نوع‌دوستی را که در ضمیر دانش‌آموزان نهفته است، بارور کرده و نتایج آن را به سوی جامعه هدایت کند. معلم در واقع کاوشگری است که با دقت‌نظر کافی و تکنیک‌های نوین آموزشی می‌تواند تمام ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان را استخراج کرده و در مسیر شناساندن شایستگی‌های آنها به جامعه کمک کند.

کشورهای قدرتمند اقتصادی از طریق آموزش‌وپرورش به این نقطه رسیده‌اند و ما نیز می‌توانیم با جانمایی معلم و آموزش عاشقانه و پرورش عاقلانه، عالمانی با ویژگی‌های خوب و برتر بپرورانیم تا آینده کشور دارای نسلی ممتاز در همه زمینه‌ها باشد؛ زیرا این قسمت از هستی نشان داده است که می‌تواند مهد تولید فرهنگ و آیین کشورداری باشد.

***عضو شورای مرکزی و سخنگوی انجمن اسلامی معلمان ایران**

خبر

افزایش پوشش تحصیلی ۱۱ هزار نفری دانش‌آموزان عشایری

● **شرق:** مدیر کل آموزش‌وپرورش عشایری کشور از افزایش پوشش تحصیلی ۱۱ هزار نفری دانش‌آموزان عشایری در دولت تدبیر و امید خبر داد. علی‌نقی یزدان‌پناه گفت: با هدف در اولویت قراردادن دانش‌آموزان عشایری، برگزاری جشن تکلیف همراه با دوره آموزشی در دو قطب شمال و جنوب کشور، برنامه‌ریزی شده است که در نیمه‌جنوبی کشور به میزبانی شیراز و با حضور استان‌های هم‌جوار اردوی آموزشی سه‌روزه برگزار شد و هم‌اکنون نیز اردوی آموزشی جشن تکلیف با حضور ۹ استان در اردوگاه شهید منتظری شهریار در حال برگزاری است. یزدان‌پناه توجه به مناطق محروم و کم‌برخوردار را از سیاست‌های آموزش‌وپرورش در دولت تدبیر و امید دانست و خاطرنشان کرد: در راستای اجرای عدالت آموزشی، میزان پوشش تحصیلی دانش‌آموزان عشایری از ۱۶۹ هزار در سال ۹۱ به ۱۸۱هزارو ۴۰۰ نفر در سال ۹۵ افزایش یافته است. وی از رشد مراکز شبانه‌روزی عشایری از ۱۷۰ به ۲۰۵ واحد آموزشی خبر داد و تصریح کرد: در چهار سال اخیر، با تلاش‌هایی که صورت گرفته، صدها مدرسه چادری به مدارس کانکسی یا ساختمانی تبدیل شده است.

با دستور روحانی برای بررسی فوری احیای مجدد سازمان ملی جوانان و تفکیک از وزارت ورزش؛

«جوانان» مستقل می‌شوند

شرق: سازمان ملی جوانان که از سال ۷۹ و در دولت اصلاحات شکل گرفت، با همه کم‌وکاستی‌ها و محدودیت‌های مالی‌ای که داشت، روند رو به رشد اثرگذاری را در میان جوانان داشت؛ برنامه‌هایی که جوانان را به شکلی عینی به سطح جامعه می‌آورد و تشویق به کنششان می‌کرد. این سازمان با تغییر نگاه‌ها در دولت‌های نهم و دهم و انتخاب مدیرانی که تفکراتی متفاوت از مدیران قبلی داشتند، رویکردهایش تغییر کرد و دیگر تنها پوسته‌ای به نام سازمان ملی جوانان بود. پنج رئیس این سازمان انواع آزمون‌وخطا را روی این مجموعه اجرائی کردند و در نهایت محمود احمدی‌نژاد که مدت‌ها به دنبال تغییر در این سازمان بود، آن را منحل کرد و نمایندگان مجلس نیز رأی به ادغام این مجموعه با سازمان تربیت‌بدنی دادند و یک وزارتخانه به نام وزارت ورزش و جوانان شکل گرفت؛ وزارتخانه‌ای که از ابتدای شکل‌گیری تاکنون به اذعان مدیران همان دولت تصمیم‌گیر، جوانان بخش حاشیه‌اش بوده‌اند و درگیری برای انواع حواشی ورزش تمام وقت و پول این وزارتخانه را می‌گرفت.

با تغییر دولت و تغییر نگاه‌ها در دولت یازدهم و آسیب‌شناسی آنچه که بر حوزه جوانان در این سال‌ها رفته است، حالا و پس از اقدامات اساسی دیگری نظیر احیای شورای‌عالی جوانان، حسن روحانی، در آخرین تصمیم خود، دستور داده است تا احیای مجدد سازمان ملی جوانان مورد بررسی قرار گیرد. رئیس‌جمهوری در دستوری به جمشید انصاری، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، از وی خواست اقدامات لازم را برای احیای مجدد سازمان ملی جوانان کشور انجام دهد. در دستور حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی خطاب به رئیس سازمان اداری و استخدامی آمده است: به منظور تمرکز بیشتر بر مسائل جوانان و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و ارزیابی عملکرد در ادوار مختلف، لازم است سازمان ملی جوانان کشور با مأموریت رسیدگی به امور جوانان و کمک به شکوفایی استعداد آنان در حوزه‌های مختلف و هماهنگ‌سازی اقدامات دستگاه‌های مسئول در حوزه جوانان، احیا شود. مقتضی است اقدامات لازم در این راستا صورت پذیرد و ترتیبات قانونی لازم اتخاذ شود.

در دستور رئیس‌جمهوری همچنین تأکید شده است: احیای سازمان ملی جوانان از خواست‌های تشکل‌های دانشجویی و سازمان‌های مردم‌نهاد بوده و در جلسات مختلف کارشناسی از سوی صاحب‌نظران امور اجتماعی مطرح شده بود.

محمدرضا رستمی، معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، در توضیح این تصمیم و سابقه آن، به «شرق» گفت: از ابتدای

عکس: میلاد پیامی

دولت یازدهم با قبول و باور این موضوع اصلی که ادغام دو مجموعه جوانان و ورزش تصمیم منطقی و کارسازی نبوده است، مسئله تفکیک این دو از هم دنبال می‌شد. در سال ۹۳ و در اولین جلسه از شورای‌عالی جوانان این موضوع مجددا در دستور کار بررسی قرار گرفت و قرار شد تا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت ورزش و جوانان و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری بررسی کارشناسانه دقیقی از این تفکیک و تشکیل مجدد سازمان داشته باشند.

رستمی با اعلام اینکه به‌طور هم‌زمان بررسی تطبیقی سازمان‌ها و بخش‌های مربوط به جوانان در کشورهای دیگر و عملکرد سازمان ملی جوانان در دوره فعالیت خود مورد ارزیابی قرار گرفت، افزود: مجموع مطالعات حاکی از این موضوع بود که ادغام این دو مجموعه از ابتدا اشتباه و غیرکارشناسی بود و نباید یک حوزه راهبردی و استراتژیک را با بخشی کاملا اجرائی ادغام می‌کردند. با این کار در سال‌های اخیر در حاشیه ورزش قرار گرفت و حالا باید به دنبال بازیابی حوزه‌های اصلی کاری آن باشیم.

معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به مصوبه مجلس برای ادغام دو مجموعه جوانان و ورزش، تصریح کرد: برای تغییر این تصمیم نیاز به مصوبه مجلس داشتیم و قطعا چنین برنامه‌ای با مجلس قبلی امکان تحقق نداشت، اما با رویکرد و نگاه مجلس جدید این تغییر نگاه به وجود آمد و درحال‌حاضر مجلس در مورد تفکیک سازمان از وزارت ورزش هم‌نظر با دولت است و دستور رئیس‌جمهور هم مبتنی بر همین همراهی است.

رستمی به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای جوانان در برنامه ششم توسعه اشاره کرد و گفت: برای تفکیک‌شدن سازمان امور جوانان و عدم تکرار اشتباهات قبلی باید نیازهای ساختاری، اختیارات و منابع مالی در اختیار سازمان قرار گیرد تا این سازمان بتواند از حقوق و جایگاه خود دفاع کند و صرفا تشکیل یک سازمان برای امور جوانان و آنچه دولت در نظر دارد جوابگو نیست.

وی می‌گوید دولت با همین رویکرد حمایتی به جوانان و بخش جوانان در وزارت ورزش و جوانان بودجه این مجموعه را به شکلی چشمگیر افزایش داده و اعتبارات برنامه‌ای این مجموعه را از شش تا ۱۰میلیارد تومان در سال ۹۲ به ۴۰ برابر؛ یعنی حدود ۴۵۰میلیارد تومان در سال ۹۶ رساند. درعین‌حال برای اولین‌بار در تاریخ فعالیت بخش جوانان ۵۰ میلیارد تومان بودجه عمرانی اختصاص یافته است و به‌عبارتی اعتبارات این مجموعه از ۱۰میلیارد تومان به ۴۵۰میلیارد تومان افزایش یافته است و با افزایش اعتبار گام اول برای شکل‌گیری این سازمان مستقل برداشته شده است.

او بر این باور است که با همگرایی‌ای که در مجلس شورای اسلامی وجود دارد و اهتمامی که دولت برای تغییر در این حوزه داشته، لایحه مربوط به شکل‌گیری مجدد سازمان امور جوانان باسرعت انجام می‌پذیرد. رستمی می‌گوید این روند به حداقل چند ماه زمان نیاز دارد و تصریح می‌کند: در سال‌های گذشته اعتبارات مربوط به جوانان با عناوین و ردیف‌های مختلفی در سایر ارگان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها خرج شد و به حوزه جوانان نرسید یا این مجموعه و سیاست‌هایش نقشی در مدیریت این اعتبارات نداشت، اما با تشکیل سازمان امور جوانان این مجموعه می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های حوزه خود به شکل مستقیم اثرگذار باشد.

آب و محیط زیست، محور گفت‌وگوهای ظریف در افغانستان

شرق: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران روز گذشته در سفر یک‌روزه‌ای که به افغانستان داشت، در نشست مشترک مطبوعاتی با همتای افغان خود در کابل، گفت امکان همکاری در زمینه آب برای حفظ محیط زیست میان دو کشور وجود دارد. به گزارش ایرنا، محمدجواد ظریف، در این نشست بر لزوم همکاری و به‌نتیجه‌رسیدن موضوع آب تأکید کرد و حل این مشکل را به نفع محیط زیست دو کشور دانست.

این اولین‌بار نیست که مسئولان بلندپایه دولت روحانی در مذاکرات خود با مسئولان دولت افغانستان محیط زیست و آب را در صدر موضوعات مورد گفت‌وگوی خود قرار می‌دهند. پیش از این هم در دیدارهای متعددی بحث پیرامون حقابه ایران از رودخانه‌های هیرمند و هریرود با طرف‌های افغانستانی مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مشترک میان دو کشور، وضعیت تالاب هامون است که زمانی عنوان بزرگ‌ترین تالاب آب شیرین ایران را بر خود داشت. این تالاب از ۱۸ سال پیش به این‌سو تا بهار سال ۱۳۹۳ تقریبا به صورت کامل خشک شده بود و هیچ‌گاه فرصت نشد که دوباره آبی به لب‌های تشنه‌اش برسد. محل تأمین آب مورد نیاز این تالاب رودخانه هیرمند است که از ارتفاعات شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و درنهایت به هامون می‌ریزد. در همه سال‌های گذشته دولت‌های مستقر در افغانستان، چه دولت طالبان و چه دولت‌های حامد کرزی به دلیل ناکارآمدی یا نداشتن تمایل و توانایی، به درخواست‌های ایران برای دادن حقابه تالاب هامون اهمیتی نمی‌دادند. بااین‌حال، با شروع به کار دولت روحانی، هم مسئولان دیپلماسی و هم رئیس سازمان محیط زیست به‌صورتی جدی وارد مذاکراتی با مسئولان افغانستان دراین‌باره شدند.

از طرفی، بارش باران و وقوع سیلاب‌ها در افغانستان هم به کمک آمد تا اردیبهشت سال ۹۳ برای اولین‌بار پس از ۱۶ سال، به بخش‌های وسیعی از هامون آب برسد. در همین مدت، چندین مرتبه و در بالاترین سطوح ممکن، هم از سوی رئیس‌جمهور و هم معاون او، معصومه ابتکار، با رئیس‌جمهور و دیگر مسئولان دولت

عکس: مرضیه حیدرزاده، ایرنا

افغانستان گفت‌وگوهایی جدی شد تا حقابه تالاب هامون را بپردازند. این در حالی است که در سال‌های گذشته و به‌صورت مشخص در دولت احمدی‌نژاد، ایران هیچ‌گاه چنین درخواستی را از افغانستان مطرح نکرد.

دو رودخانه هیرمند و هریرود از ارتفاعات افغانستان سرچشمه می‌گیرند و در ادامه به سمت ایران می‌آیند. یکی به تالاب هامون می‌ریزد و دیگری از مرز مشترک افغانستان و ایران می‌گذرد و در داخل خاک ایران به سد دوستی می‌رسد و در ادامه وارد شنزارهای کشور ترکمنستان می‌شود. سال‌هاست موضوع حقابه ایران - هم برای تالاب هامون و دشت سیستان و هم برای سد دوستی- از موضوعات مهم مطرح میان دولت‌های حاکم بر دو کشور همسایه است. دو سال پیش که محمد اشرف‌غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، به ایران سفر کرد در دیدارهایی که با حسن روحانی، رئیس‌جمهور، و معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، داشت در همین رابطه گفت‌وگوهایی کرد. در همین سفر و در پی دیدار غنی با ابتکار، رئیس‌جمهور افغانستان با اعلام آمادگی این کشور برای آغاز مطالعه و بررسی چرایی خشک‌شدن هامون و همچنین چگونگی احیا و برگشت آن به شرایط گذشته، اعلام کرد: «لازم است تیمی تخصصی به‌صورت مشترک از دو کشور، برنامه‌ای جداگانه از سلسله اقداماتی را که دو کشور ایران و افغانستان باید به‌صورت ضرب‌الاجل برای جلوگیری از تخریب بیشتر تالاب بین‌المللی هامون انجام دهند، تهیه و تدوین و به دو کشور ارائه کنند». او همچنین با اعلام آمادگی برای ایجاد چارچوب همکاری‌های کلی به‌منظور حفظ محیط زیست در کشور و منطقه، گفت: «با توجه به مشکلات ناشی از تغییرات آب‌وهوا و اقلیم که منجر به خشک‌شدن باغ‌ها و جنگل‌های افغانستان شده است، این کشور آماده هر نوع اقدام و همکاری در زمینه حفاظت و احیای آبگیرها و تالاب‌هاست». اشرف غنی، سیلاب‌ها و خسارت‌های فراوان ناشی از آن را یکی از مهم‌ترین چالش‌های افغانستان برشمرد که سالانه قریب به ۵/۱میلیارد دلار خسارت برای آن کشور به دنبال دارد.

در همین رابطه سال ۹۴ معصومه ابتکار، رئیس سازمان محیط زیست، در گفت‌وگویی با «شرق» در رابطه با دیدار خود با رئیس‌جمهور افغانستان و مسائل مطرح‌شده در آن دیدار، گفت: «ما در ارتباط با همکاری‌های مشترک با کشور و مردم افغانستان درباره موضوع تالاب بین‌المللی هامون، برنامه‌های زیادی داریم. در مذاکرات رسمی‌ای که با آقای اشرف‌غنی، رئیس‌جمهور محترم افغانستان، داشتیم همین پیشنهاد را دادیم که یک کارگروه مشترک برای احیای تالاب بین‌المللی هامون که یک تالاب بسیار ارزشمند برای زندگی مردم منطقه چه در افغانستان و چه در ایران است، تشکیل شود؛ چراکه معتقدیم اگر این تالاب احیا شود، بر کشاورزی و معیشت و دامداری آنها تأثیر دارد و می‌تواند به لحاظ گردشگری نیز به یک جاذبه خوب تبدیل شود و خودبه‌خود خواهد توانست امنیت این منطقه را تأمین کند و سطح آن را بالا ببرد. این بحث‌هایی بود که با رئیس‌جمهور افغانستان مطرح کردیم و آقای غنی هم از آن استقبال کردند. علاوه‌براین، مردم این منطقه به این موضوع حساسیت دارند و علاقه‌مند هستند این تالاب احیا شود. من با خبرنگاران افغانستانی که به ایران سفر کردند، ملاقات داشتم؛ هم آنها و هم تشکل‌های مردم‌نهاد در افغانستان و سازمان‌های غیردولتی، همگی برای احیای این تالاب ابراز آمادگی کردند و به این موضوع علاقه داشتند».

تالاب هامون از سه دریاچه کوچک به نام های هامون پوزک (میانی)، هامون صابوری (شمالی) و هامون هیرمند تشکیل شده است که در زمان وفور آب به هم متصل می شوند و دریاچه هامون را تشکیل می‌دهند. منطقه حفاظت‌شده هامون، به دلیل قرارگرفتن در مرکز مناطق کویری و نیمه‌کویری کشورهای ایران و افغانستان، تنها مأمن زیست پرندگان مهاجر شرق کشور است و تاکنون بیش از ۱۸۳ گونه پرنده در دریاچه هامون مشاهده شده است.

بیش از صد گونه جانوری از جمله گراز، گربه وحشی و روباه نیز در حواشی این دریاچه زیست می‌کردند که قطع جریان آب هیرمند به مرز ایران، کمبود نزولات آسمانی، خشکیدن هامون و در نهایت بروز خشک‌سالی و استمرار آن در ۱۸ سال گذشته، باعث شد مهاجرت پرندگان و حیات جانوران در این منطقه به مخاطره بیفتد. هامون بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین با مساحتی حدود پنج‌هزارو ۷۰۰ کیلومترمربع در سراسر فلات ایران محسوب می‌شود که در ناحیه کویری و بیابانی شرق کشور، در شمال سیستان‌وبلوچستان واقع شده است. تقسیم‌بندی پرندگان در قالب ۵۱ خانواده نشان‌دهنده تنوع کم‌نظیر انواع پرندگان در این منطقه است؛ بنابراین از بُعد ملی و بین‌المللی این تالاب از اهمیت زیادی برخوردار است و از سوی سازمان بین‌المللی حیات پرندگان به عنوان زیستگاه بااهمیت پرندگان معرفی شده است.

فاجعه دارویی دولت قبل ۶ ماهه جمع شد

ایلنا: خیرالله غلامی، مدیر داروخانه‌های بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس داروخانه‌های ۱۳ آبان کشور، درباره ادعای یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری مبنی بر کمبود دارو در دولت تدبیر و امید، گفت: وضعیت دارویی کشور اکنون نسبت به قبل از سال ۹۲ پیشرفت بسیار چشمگیری داشته است، به‌طوری‌که با کمبود دارو روبه‌رو نبودیم و همه داروها در دسترس بیماران قرار داشت.

مدیر داروخانه‌های بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی تهران ادامه داد: قبل از سال ۹۲ ما با فاجعه دارویی مواجه بودیم، به‌طوری‌که هم کمبود دارو و هم قیمت بالای آن به بیماران فشار بسیاری وارد کرد. غلامی به فعالیت‌های دولت تدبیر و امید در زمینه رفع وضعیت بحرانی دارو اشاره کرد و گفت: همه می‌دانند که قبل از شروع‌به‌کار دولت تدبیر و امید کشور در حوزه دارو چه وضعیت اسف‌باری داشت؛ اما در سال ۹۲ در حدود شش ماه قیمت داروها تثبیت شد و هم داروها در دسترس بیماران قرار گرفت.

او در پایان در پاسخ به منتقدان وزارت بهداشت دولت یازدهم گفت: با اجرای طرح تحول سلامت، وضعیت بیماران بهبود پیدا کرده است و همه اقلام دارویی حتی لوازم بیمارستانی با قیمت مصوب و پایین در اختیار بیماران قرار می‌گیرد.

دریچه

شهروند عزیز؛ لطفا پرسشگر باش...

امیر بهمنی

● «مسئولان باید پاسخ‌گو باشند»؛ روزی چند بار این جمله را از زبان این و آن می‌شنویم. از صبح که از خانه بیرون می‌آییم تا شب که برمی‌گردیم، چنده نفر این جمله یا جمله‌ای با این مضمون را برای ما تداعی می‌کنند؟ هرکسی که می‌خواهد به هرجای این شهر و کشور نقدی وارد کند، بالاخره پای مسئولی را که باید پاسخ‌گو باشد به میان می‌کشد. شاید یکی از غیرمسئولانه‌ترین کارهایی که ما شهروندان می‌کنیم همین است که همه جواب‌ها را گردن این و آن می‌اندازیم؛ اما دریغ که دیگر ما ناامید شده‌ایم از مسئولانی که پاسخ‌گو باشند و البته با خودمان فکر کردیم که چرا هرکسی را که در منصبی می‌نشانیم به عادت مألوف، پاسخ‌گو نیست؟ راستش اصلا مسئولی می‌داند باید نسبت به چه چیزی پاسخ‌گو باشد؟

ما وارد یک بحران شده‌ایم، بحران پرسش، نبودنِ سؤال درست و بجا. هرکدام از ما شهروندان چقدر توانستیم در نقدها و ایرادهایمان سؤالی مطرح کنیم که مدیران پاسخ بگویند؟ روحیه و فرهنگ پرسشگری را چقدر بین خودمان و دیگران رواج دادیم؟ اصلا کسی به ما یاد داده چگونه پرسشگر باشیم؟ وظیفه مسلم هر مسئولی (همان‌طورکه از اسمش پیداست) پاسخ‌گفتن است؛ اما هریک از ما شهروندان وظیفه‌مان چیست؟ آیا ما سؤال کرده‌ایم؟ یا اگر سؤال کرده‌ایم، پیگیر حقوق و خواسته‌های بحقمان در چارچوب قانون بوده‌ایم؟ آیا نمایندگانی از ارکان سیاست انتخاب کرده‌ایم که وضع موجود را به چالش بکشند و با روحیه پرسشگری، پاسخ دقیق و کاملی را بخواهند. حرف بر سر این است که ما در این کارزار انتخاب‌ها و انتخابات‌ها برای یک بار هم که شده وظیفه مسئولان‌مان را با طرح سؤال‌های درست به یادشان بیاوریم. ما فراموش کرده‌ایم بپرسیم: آقای شهردار، تکلیف ۲۰ تن پسماند روزانه خطرناک از مجموع ۹۰ تن پسماند بیمارستانی چه شد؟ آیا باید همچنان شاهد دفن نامناسب آنها و نفوذ شیرابه‌های عفونی به سفره‌های زیرزمینی باشیم؟ راستی تکلیف اتوکلاوهای زباله‌سوز چه شد؟ آیا سوزاندن زباله‌ها با دستگاه‌های وارداتی با کیفیت نامعلوم (که منجر به تعطیلی کارخانه‌های داخلی تولید کوره‌های زباله‌سوز شد) به‌درستی پیش می‌رود؟ ما فراموش کردیم بپرسیم: آقای شهردار لطفا فرمول یا برنامه‌ای را که برای فروش مجوز طرح ترافیک دارید (که هر کسی می‌تواند روزانه مجوز خریداری کند) ارائه دهید. این حق ماست که بدانیم محدوده طرح ترافیک را با چه رویکردی می‌توان فروخت؟! آیا هوای شهر هم فروشی است؟

ما فراموش کردیم بپرسیم: آقای شهردار شما که می‌دانید فروش بی‌رویه تراکم یعنی شهرفروشی، چرا برای تأمین منابع مالی دست به این اشتباه بزرگ می‌زنید که با حجم ساختمان‌هایی که از شهرداری شما مجوز تراکم گرفتند، اقلیم آب‌وهوایی این تهران زبان‌بسته عوض شد؟ آقای شهردار چرا پس از سال‌ها تلاش دولتمردان برای تهیه سند برجام حالا که فضای سیاسی و امنیت بین‌المللی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی مهیاست، پروژه‌های شهری را به روش فاینانس سرمایه‌گذاران خارجی تأمین نمی‌کنید؟ شما که منتقد جدی مدیریت سنتی و ۶۰ سال پیش هستید(!) چرا سنتی‌ترین و فسادزاترین روش ممکن برای تأمین منابع مالی شهرداری را انتخاب کردید؟ ما هزاران سؤال را فراموش کردیم و انتظار جواب داریم؛ اما مسئول مطرح‌کردن این پرسش‌ها کیست؟ مگر نه اینکه شورای شهر به‌عنوان متولی انتخاب شهردار وظیفه دارد صورت‌های مالی شهرداری را به‌دقت بررسی کند و به‌طور شفاف به شهروندان گزارش دهد که هزینه عوارض پرداختی به شهرداری کجا مصرف می‌شود؟ چرا تاکنون شهرداری خود را ملزم به پاسخ‌گویی صریح و شفاف به نمایندگان مردم در شورای شهر ندانسته است؟ آیا نامشخص‌بودن محل مصرف عوارض باعث فرار شهروندان از پرداخت عوارض شهرداری نمی‌شود؟ سؤال‌های زیادی می‌توان طرح کرد که اگر مطرح شوند، پاسخ مسئولان، عیار آنها را در توان مدیریت و میزان پاسخ‌گویی آنها نشان می‌دهد. شهروندان وظیفه دارند کسانی را وارد شورای شهر کنند که هر روزه سؤال‌هایی درست، بجا و قانونی مطرح کنند و به‌جد پیگیر مشکلات مردم باشند.

شرکت ملی گاز ایران

شرکت پالایش گاز فجر جم شماره مجوز: ۱۳۹۶.۶۱۸ نوبت اول

۱ - نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم ، به نشانی استان بوشهر- شهرستان جم- پالایش گاز فجر جم- امور کالا- کد پستی ۷۵۵۶۱۵۴۸۶۴

۲ - موضوع مناقصه: وفق جدول ذیل به صورت آگهی فراخوان ارزیابی کیفی دو مرحله ای

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه		نوع مناقصه از لحاظ:
			مبلغ به‌ریال	نوع تضمین	فراخوان -مراحل بررسی
۱	۹۴۴۱۳۳۱	خرید قطعات پمپ استرلینگ	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	وفق آئین نامه تضمین معاملات دولتی	ارزیابی کیفی دو مرحله ای

۳ - میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق بر اساس آئین نامه تضمین معاملات دولتی

۴ - محل ، زمان و مهلت دریافت اسناد: محل دریافت اسناد ، اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم یا مراجعه به سایت شرکت و دریافت فرم استعلام ارزیابیکیفی تامین کنندگان کالا(تکمیل فرم مذکور الزامی می باشد)/ ، زمان دریافت و ارسال اسناد حداکثر ۱۰ روز بعد از تاریخ انتشارآگهی نوبت دوم ، مهلت ارائه پیشنهادات و بازگشایی آنها بانضمام اسناد مناقصه اعلام می گردد.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی WWW.FAJRJAM.IR یا به آدرس استان بوشهر ، شهرستان جم ، شرکت پالایش گاز فجر جم - امور کالا (کد پستی ۷۵۵۱۵۶۱۵۴۸۶۴) مراجعه یا با شماره تلفن ۳۱۶۸۲۱۰۸-۰۷۷ تماس حاصل نمایند. ضمناً فراخوان مناقصه مذکور در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir وپایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشا هده می باشد.

آگهی نوبت اول: ۱۳۹۶/۲/۱۸ آگهی نوبت دوم: ۱۳۹۶/۲/۲۴

روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم